

جمله مرکب^۱ و حذف معادلها^۲

در زبان فارسی

(بحثی در زبان شناسی تأویلی - تولیدی^۳)

جمله در فارسی از نظر دستور تأویلی - تولیدی بر دو گونه است : جمله تك پایه^۴ و جمله چندپایه^۵. جمله تك پایه آنست که حامل يك پیام ذهنی^۶ باشد ، مانند جمله های ۱- الف و ب :

۱- الف - بچه ها در کوچه بازی می کنند .

ب - بچه ها در کوچه سرو صدا راه می اندازند .

جمله چندپایه جمله ایست که حاوی دو یا چند پیام ذهنی باشد و به سخن دیگر از دو یا چند جمله تك پایه تأویل یافته باشد . جمله های چندپایه ، از نظر نحوی ، خود به دو گروه عمده بخش پذیرند : یکی جمله های مرکب (پیوندی) و دیگری جمله های ترکیبی (پیچیده)^۷. جمله های مرکب از به هم پیوستن دو یا چند جمله تك پایه ای به دنبال هم و با واسطه پیوندهای همپایه^۸ (حروف ربط همپایه) تأویل

می‌یابند ، مانند جمله شماره ۲ :

۲- بچه‌ها در کوچه بازی می‌کنند و سروصدا راه می‌اندازند .

اما جمله ترکیبی از تداخل^۹ يك يا چند جمله دخيل^{۱۰} در يك جمله مدخول^{۱۱}

حاصل می‌شود و یکی از انواع آن به شکل جمله ۳ می‌باشد :

۳- بچه‌هایی که در کوچه بازی می‌کنند سروصدا راه می‌اندازند .

* * *

بحث ما در این تحقیق محدود است به جمله‌های مرکب که نمونه آن به صورت جمله شماره ۲ در بالا معرفی گردید . منظور از این بحث نشان دادن این حقیقت است که آن دسته از جمله‌های زیر ساختی^{۱۲} که در ساخت جمله مرکب به کار می‌روند اگر دارای عناصر هم معنای مشترك باشند یکی از عناصر هم معنا که در مقام تکرار قرار می‌گیرند از رو ساخت جمله حذف می‌گردد. برای نمونه جمله شماره ۲ را بررسی می‌کنیم . این جمله مرکب در زیر ساخت خود از دو جمله شماره ۱- الف و ب متشکل شده . عناصر مشترك هم معنا بین این دو جمله عبارتند از « بچه‌ها » و « در کوچه » که پس از کاربرد تأویل پیوندی از رو ساخت جمله ب حذف شده‌اند و جمله ب به شکل رشته « سروصدا راه می‌اندازند » در آمده است . هر فارسی زبانی که جمله مرکب شماره ۲ را مطالعه کند عبارت « سروصدا راه می‌اندازند » را به معنای « بچه‌ها در کوچه سروصدا راه می‌اندازند » تعبیر می‌کند و نه به معنای دیگری ، مثلاً شبیه به « ماشین‌ها در خیابان‌ها سروصدا راه می‌اندازند » یا « طوطی‌ها در قفس سروصدا راه می‌اندازند » و غیره . علت آن اینست که رشته « سروصدا راه می‌اندازند » در رابطه با يك جمله دیگر یعنی جمله الف (بچه‌ها در کوچه بازی می‌کنند) رخ داده و در واقع ، با آن پیوند یافته است . بدون تردید يك قاعدة کلی زبان فارسی بر این قبیل جمله‌ها حاکم است که هر فارسی زبان ناخود آگاه از آن پیروی می‌کند و به موجب آن مفهوم « بچه‌ها » و « در خیابان » را از عبارت « سروصدا راه می‌اندازند » حدس می‌زند و پیش‌بینی می‌کند . از

سوی دیگر ، اگر رشته « سروصدا راه می‌اندازند » بخشی از يك جمله مرکب نبود و ارتباطی با فحوای موجود نداشت ، از نظر يك فارسی زبان بی‌مفهوم و یا دست کم نارسا می‌نمود. پس ناچار باید دید آن قاعده کلی زبان فارسی که بر حذف عناصر روساختی و حدس عوامل ژرف ساختی (عوامل معنایی) حاکم می‌باشد چیست .

قاعده ۱ :

شرط حذف يك یا چند عنصر معنایی از روساخت جمله اینست که بر ژرف ساخت (معنای) جمله نقصانی حاصل نکند و عنصر محذوف همچنان در ژرف ساخت جمله مفهوم و قابل استنباط باشد .
(وثوقی ، ۱۳۴۵ ، ص ۱۲۶) .

اکنون عناصر محذوف را بادر نظر گرفتن قاعده بالا در چند نمونه از جمله‌های مرکب فارسی ملاحظه می‌کنیم :

۴- امروز من پیاده به اینجا آمدم اما دوستم با دوچرخه .

این جمله از دو پیام یا از دو جمله زیر ساختی الف و ب تأویل یافته :

الف - امروز من پیاده به اینجا آمدم .

ب - امروز دوستم با دوچرخه به اینجا آمد .

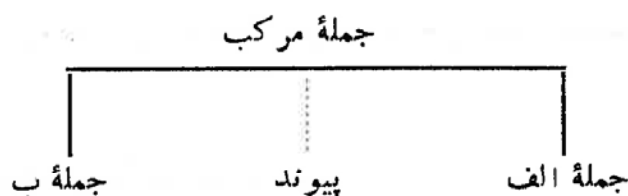
برای این که دو جمله تک پایه‌ای بسالا به جمله مرکب تبدیل یابد الزاماً

تأویل‌هایی را در روساخت خود متحمل می‌شود که به ترتیب عبارتند از : اول

تأویل افزایش عامل پیوند همپایه . این تأویل ، به طور کلی ، پیوند همپایه

متناسبی را در آغاز کلیه جمله‌های تک پایه بجز اولین جمله می‌افزاید . در مورد جمله

۴ طبق همین قاعده پیوند مناسب به آغاز جمله درمی‌آید ، به شکل نمودار زیر :



کاربرد این تأویل، جملات الف و ب را به صورت رشته زیر تأویل می‌دهد:
 «امروز من پیاده به اینجا آمدم اما امروز دوستم با دو چرخه به اینجا آمد».
 دومین عمل تأویل عبارتست از تأویل حذف دومین معادل هم‌معنا که در
 مقام تکرار در جمله مرکب حاصل (از تأویل ماقبل) واقع شده است. عناصر معادل
 هم‌معنا در جمله بالا عبارتند از «امروز» و «به اینجا آمد» که پس از حذف آنها در
 جمله ب رشته زیر بدست می‌آید:

امروز من پیاده به اینجا آمدم اما _____ دوستم با دو چرخه _____ .
 یا : امروز من پیاده به اینجا آمد اما دوستم با دو چرخه .

اکنون عناصر محذوف جمله مرکب را در مثال دیگری بررسی می‌کنیم:
 ۵- برادرم پیاده روی را دوست دارد اما من نه .

این جمله نیز در زیر ساخت خود از دو جمله تک‌پایه به شکل الف و ب
 درست شده که عبارتند از:

الف - برادرم پیاده روی را دوست دارد .

ب - من پیاده روی را دوست ندارم .

چنانچه تأویل افزایش پیوند بر دو جمله بالا اعمال شود، نتیجتاً، پیوند
 مناسبی مانند «اما»، «ولی» یا «لکن» بر سر دومین جمله زیرساختی (جمله ب)
 افزوده می‌شود تا جمله الف و ب را به هم پیوند دهد که در این صورت به شکل
 رشته زیر درمی‌آیند:

«برادرم پیاده روی را دوست دارد اما من پیاده روی را دوست ندارم» .

پس از کاربرد تأویل حذف معادلها (دومین نوع تأویل)، جمله بالا به صورت
 زیر تأویل می‌یابد:

« برادرم پیاده روی را دوست دارد اما من _____

_____ . »

یا : برادرم پیاده روی را دوست دارد اما من نه .

مثال دیگر^{۱۳}:

۶- در پایان مسابقه‌ها هفت طلا به میزبان رسید ، دو طلا به ایران ، يك طلا به فنلاند و يك طلا هم به کوبا .

این جمله مرکب خود از چهار جمله زیر ساختی به ترتیب زیر تأویل یافته است:

الف - در پایان مسابقه هفت طلا به میزبان رسید .

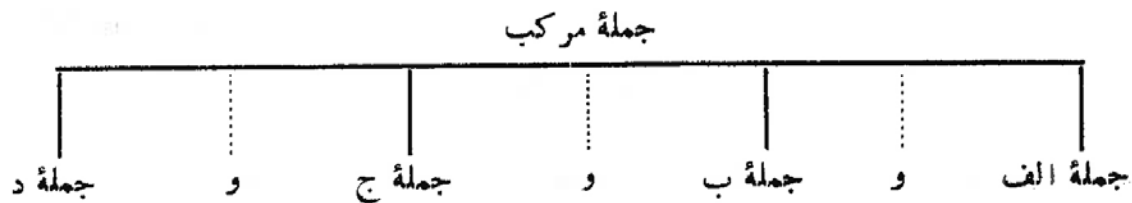
ب - در پایان مسابقه دو طلا به ایران رسید .

ج - در پایان مسابقه يك طلا به فنلاند رسید .

د - در پایان مسابقه يك طلا هم به کوبا رسید .

اولین عمل تأویل پیوند مناسبی را به آغاز کلیه جمله‌های زیر ساختی بجز

اولین جمله می‌افزاید ، مانند نمودار درختی زیر :



که در نتیجه چهار جمله «الف» تا «د» را به رشته پیوندی (رشته میان ساختی) زیر تأویل می‌دهد :

در پایان مسابقه هفت طلا به میزبان رسید و در پایان مسابقه دو طلا به ایران رسید و در پایان مسابقه يك طلا به فنلاند رسید و در پایان مسابقه يك طلا هم به کوبا رسید .

دومین عمل تأویل ، بنسب بر قاعده ، معادل‌های هم‌معنا را که در مقام تکرار می‌باشند از رو ساخت جمله مرکب حاصله حذف می‌نماید و در نتیجه رشته میان ساخت بالا به صورت رشته زیر تأویل می‌یابد :

در پایان مسابقه هفت طلا به میزبان رسید و _____ دو طلا به ایران

_____ و _____ يك طلا به فنلاند _____ و _____ يك طلا
هم به کوبا _____ .
که چنانچه به شکل پیوسته نوشته شود جمله دستوری و مقبول زیر را به دست
خواهد داد :

« در پایان مسابقه هفت طلا به میزبان رسید و دو طلا به ایران و يك طلا
به فنلاند و يك طلا هم به کوبا » .

سومین عمل تأویل پیوندی عبارتست از تأویل اختیاری^{۱۴} حذف کلیه پیوندهای
همپایه از آغاز کلیه جمله‌های زیرساختی به جز آخرین آنها به شرطی که عین هم
باشند . با به کار بردن این تأویل رشته بالا به شکل جمله دستوری زیر تغییر شکل
می‌یابد :

« در پایان مسابقه هفت طلا به میزبان رسید ، دو طلا به ایران ، يك طلا
به فنلاند و يك طلا هم به کوبا » .

* * *

از بررسی جمله‌های ۴ تا ۶ ملاحظه گردید که شرط حذف عناصر از ساخت
جمله‌های مرکب وجود معادل‌های هم‌معنایی است که در جمله‌های زیرساختی آنها
به‌طور مکرر رخ داده باشند . اما قاعده تأویل پیوندی به حذف عناصر هم‌معنا
محدود نمی‌شود و دارای مرحله پیچیده‌تری نیز هست که تا کنون نساگفته مانده و
زبان‌شناسان منجمله سلسه - مورسیا و فریمن^{۱۴} آن را بازسازی^{۱۵} جمله مرکب
نامیده‌اند . نگارنده ترجیح می‌دهد (به دلایلی که بیان خواهد شد) آن را از این
پس « پیوند مجدد » بنامد .

تعریف :

پیوند مجدد عملی است که طی آن عنصری از دومین جمله
زیرساختی با يك عنصر هم‌نقش از جمله ماقبل خود هم‌نشین می‌شود
و بلافاصله به دنبال آن پیوند می‌یابد .

معمولاً معادل‌هایی که از نظر دستوری دارای يك نقش واحد هستند چنین تأویلی را متحمل می‌شوند. برای روشنگری، جمله شماره ۷ را که از کتاب فارسی سوم دبستان گرفته شده بررسی می‌نماییم چرا که نمونه ساده‌ای از این نوع تأویل در آن به کار رفته است :

۷- نماینده کلاس باید مرتب و منظم باشد .

این جمله مرکب شامل يك گروه صفت مرکب (مرتب و منظم) است . به‌طور کلی این جمله از دو جمله زیرساختی الف و ب به ترتیبی که در زیر آمده تأویل یافته است :

الف - نماینده کلاس باید مرتب باشد .

ب - نماینده کلاس باید منظم باشد .

اولین عمل تأویل، پیوند مناسبی را در آغاز دومین جمله زیرساختی می‌افزاید و آن دو را به صورت زیر بهم پیوند می‌دهد :

« نماینده کلاس باید مرتب باشد و نماینده کلاس باید منظم باشد » .

دومین عمل تأویل، عنصر یا عناصر هم‌معنای تکراری (« نماینده کلاس » و « باشد ») را از رو ساخت جمله (میان ساختی) حاصله حذف می‌کند و در نتیجه جمله بالا را به شکل رشته زیر تأویل می‌دهد :

نماینده کلاس باید مرتب باشد و _____ منظم _____ .

سومین عمل تأویل که عبارتست از « تأویل حذف پیوندهای همپایه به جز آخرین پیوند » ، بر این جمله عملی نیست چون در این جمله تنها يك پیوند (« و ») رخ داده است .

چهارمین تأویل جمله پیوندی که کاربرد آن را برای اولین بار بر جمله شماره ۷ ملاحظه می‌کنیم، تأویلی است که عنصری را از دومین جمله زیرساختی، با واسطه پیوند با معادل هم نقش آن از جمله زیرساختی ماقبل همنشین می‌کند . به سخن دیگر، آن دو عنصری که از جمله میان ساختی حاصله دارای نقش دستوری یکسان

(ولی معانی متفاوت) هستند پیوند مجدد حاصل می نمایند^{۱۷} (یا به قول سلسه - مورسیا و فریمن بازسازی می شوند) و پیوند بین دو جمله تا حد پیوند بین دو عنصر یا دو گروه خلاصه می شود. در این نوع پیوند همیشه عنصر هم نقش در جمله زیر ساختی اول پیش از معادل هم نقش خود از جمله زیر ساختی دوم قسرا می گیرد. نحوه تأویل (به طور اجمال و ساده) به شکلی است که در زیر نشان داده می شود. در این تأویل دو گروه صفت با هم پیوند حاصل می کنند و به گروه صفت مرکب تبدیل می شوند :

نماینده کلاس باید مرتب و منظم باشد	نماینده کلاس باید مرتب و منظم باشد	←	نماینده کلاس باید مرتب باشد و منظم
۱	۲	۳	۴
۱	۲	۳	۴

اکنون نمونه دیگری را که حاوی پیچیدگی افزونتری می باشد بررسی می نمایم^{۱۸} :

۸- در مسابقات مشت زنی آلمان شرقی عبادی و ابراهیم زاده مدال طلا گرفتند .

این جمله از دو جمله زیر ساختی تأویل یافته است که عبارتند از :

الف - در مسابقات مشت زنی آلمان شرقی عبادی مدال طلا گرفت .

ب - در مسابقات مشت زنی آلمان شرقی ابراهیم زاده مدال طلا گرفت .

چنانچه تأویل افزایش پیوند و همچنین تأویل حذف معادل های معنا هم بر دو جمله «الف» و «ب» به کار رود رشته زیر حاصل می شود :

در مسابقات مشت زنی آلمان شرقی عبادی مدال طلا گرفت و _____
 ابراهیم زاده _____ .

سومین تأویل (تأویل حذف پیوندهای همپایه) بر این جمله عملی نیست اما چهارمین عمل تأویل ، که عبارتست از تأویل پیوند مجدد ، فاعل جمله «ب» را با فاعل جمله «الف» هم نشین می سازد. آخرین نوعی تأویل اجباری برای برقراری

تطابق شمار بین فاعل و فعل است که رابطه شمار بین فاعل مرکب (جمع) و فعل اصلی (مفرد) را اصلاح می کند. در نتیجه این دو تأویل، رشته فوق به شکل روساختی زیر تأویل می یابد:

«در مسابقات مشت زنی آلمان شرقی عبادی و ابراهیم زاده مدال طلا گرفتند».

مثال دیگر^{۱۹}:

۹- در این مسابقه کشورهای آمریکا، شوروی، انگلستان، کوبا، اتیوپی،

فنلاند، تونس و بلغارستان نیز شرکت داشتند.

این جمله مرکب از هشت جمله تک پایه ای زیر تأویل یافته است که زیر ساخت

آن را تشکیل می دهند و به ترتیب رخداد عبارتند از:

الف - در این مسابقه کشور آمریکا شرکت داشت.

ب - در این مسابقه کشور شوروی شرکت داشت.

ج - در این مسابقه کشور انگلستان شرکت داشت.

د - در این مسابقه کشور کوبا شرکت داشت.

ه - در این مسابقه کشور اتیوپی شرکت داشت.

و - در این مسابقه کشور فنلاند شرکت داشت.

ز - در این مسابقه کشور تونس شرکت داشت.

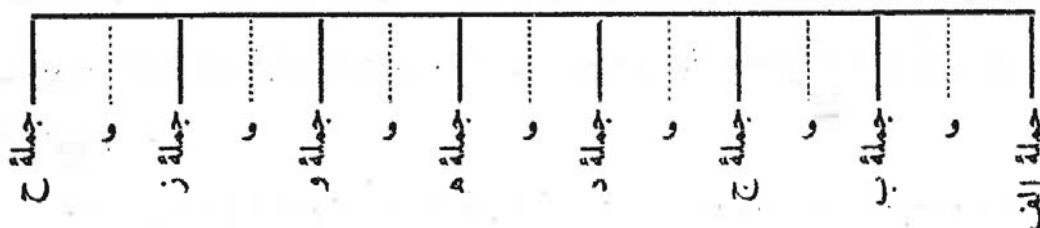
ح - در این مسابقه کشور بلغارستان نیز شرکت داشت.

پس از کاربرد اولین عمل تأویل، پیوند مناسبی (مانند « و ») به آغاز کلیه

جمله های تک پایه به جز اولین جمله افزوده می شود که نمودار درختی آن به شکل

زیر است:

جمله مرکب



در نتیجه جمله‌های تک‌پایه‌ای « الف » تا « ح » به شکل رشته پیوند یافته زیر تأویل می‌یابند :

در این مسابقه کشور آمریکا شرکت داشت و در این مسابقه کشور شوروی شرکت داشت و در این مسابقه کشور انگلستان شرکت داشت و در این مسابقه کشور کوبا شرکت داشت و در این مسابقه کشور اتیوپی شرکت داشت و در این مسابقه کشور فنلاند شرکت داشت و در این مسابقه کشور تونس شرکت داشت و در این مسابقه کشور بلغارستان نیز شرکت داشت .

جمله مرکب بالا از ۵۷ واژه وهفت پیوند («و») متشکل شده که جمعاً بالغ بر ۶۴ واژه می‌باشند .

اکنون چنانچه تأویل حذف دومین معادل هم معنا بر جمله مرکب حاصله (یعنی اولین میان ساخت) به کار رود ، کلیه معادل‌های تکراری (به شرطی که به‌زرف ساخت جمله لطمه‌ای وارد نسازند) از روساخت آن محذوف می‌گردند . برای نشان دادن میزان عناصر حذف شده جای آنها را در روساخت جمله زیر نشان می‌دهیم :

در این مسابقه کشور آمریکا شرکت داشت و _____ شوروی _____
و _____ انگلستان _____ و _____ کوبا _____ و _____
اتیوپی _____ و _____ فنلاند _____ و _____ تونس _____
و _____ بلغارستان نیز _____ .

سومین عمل تأویل آنست که کلیه پیوندهای همپایه مشابه (« و ») را به جز آخرین پیوند به‌طور اختیاری از روساخت جمله مرکب حذف می‌کند به شرطی که همه پیوندها از یک نوع باشند . در شکل نوشتار معمولاً نشانه ویرگول (،) جای پیوند محذوف قرار داده می‌شود. در نتیجه رشته حاصل به صورت زیر تغییر شکل می‌یابد :

«در این مسابقه کشور آمریکا شرکت داشت ، شوروی ، انگلستان ، کوبا ،

اتیوپی ، تونس ، فنلاند و بلغارستان نیز .

رشته میان ساخت بالا، با احتساب پیوند («و»)، از ۱۶ واژه متشکل شده که با يك حساب ساده به این حقیقت مهم پی می‌بریم که تعداد (۶۴ - ۱۶ = ۴۸) واژه به‌عنوان معادل‌های هم‌معنای تکراری از رو ساخت جمله مرکب حذف شده‌اند در حالی که معنای آنها همچنان از رشته به دست آمده قابل پیش‌بینی و تعبیر است . با وجود این رشته میان ساختی فوق‌هنوز هم به شکل يك جمله دستوری در نیامده است چرا که مستلزم تأویل‌های دیگر است که ذیلاً بررسی می‌نماییم .

چهارمین عمل تأویل همان تأویل پیوند مجدد است که همان‌طور که قبلاً ذکر شد سلسله - مورسیا و فریمن از آن به نام تأویل بازسازی جمله مرکب یاد کرده‌اند . این تأویل عملی است که طی آن يك مقوله دستوری در جمله مرکب با يك مقوله دستوری ماقبل خود هم‌نشین می‌گردد و بلافاصله به دنبال آن پیوند می‌یابد . شرط لازم برای این تأویل (همان‌طور که قبلاً هم ذکر گردید) اینست که هر دو گروه دارای نقش دستوری همانند باشند ، مثلاً هر دو فاعل ، مفعول ، قید زمان ، قید مکان و نظیر آنها باشند . تأویل هم‌نشینی در هر بار فقط برای يك عنصر به کار می‌رود و در موارد متعدد به ترتیب توالی و یکی یکی انجام می‌گیرد . در رشته زیر کلیه عناصری که به رنگ سیاه نوشته شده اساساً دارای يك نقش دستوری هستند :

در این مسابقه کشور آمریکا شرکت داشت، شوروی ، انگلستان ، کوبا ، اتیوپی ، فنلاند ، تونس و بلغارستان نیز .

و به صورت زیر در هر بار یکی پس از دیگری با عنصر هم‌نقش ماقبل خود تأویل پیوند مجدد را می‌پذیرد :

در این مسابقه کشور آمریکا ، شوروی شرکت داشت ، انگلستان ، کوبا ، اتیوپی ، فنلاند ، تونس و بلغارستان نیز .

در این مسابقه کشور آمریکا ، شوروی ، انگلستان شرکت داشت ، کوبا ، اتیوپی ، فنلاند ، تونس و بلغارستان نیز .

در این مسابقه کشور آمریکا، شوروی، انگلستان، کوبا شرکت داشت، اتیوپی، فنلاند، تونس و بلغارستان نیز.

در این مسابقه کشور آمریکا، شوروی، انگلستان، کوبا، اتیوپی شرکت داشت، فنلاند، تونس و بلغارستان نیز.

در این مسابقه کشور آمریکا، شوروی، انگلستان، کوبا، اتیوپی، فنلاند شرکت داشت، تونس و بلغارستان نیز.

در این مسابقه کشور آمریکا، شوروی، انگلستان، کوبا، اتیوپی، فنلاند، تونس شرکت داشت و بلغارستان نیز.

در این مسابقه کشور آمریکا، شوروی، انگلستان، کوبا، اتیوپی، فنلاند، تونس و بلغارستان نیز شرکت داشت.

سرانجام آخرین رشته بالا تأویل تطابق شمار بین فاعل مرکب (کشور آمریکا، شوروی، انگلستان، ...) و فعل جمله (شرکت داشت) را متحمل شده و به صورت جملهٔ روساختی زیر، که از هر لحاظ منطبق با قواعد دستوری زبان فارسی است، تبدیل می‌شود:

در این مسابقه کشورهای آمریکا، شوروی، انگلستان، کوبا، اتیوپی، فنلاند، تونس و بلغارستان نیز شرکت داشتند.

قاعدهٔ ۲:

معمولاً دو یا چند گروه به شرطی تأویل پیوند مجدد (یا همنشینی) را می‌پذیرند و تشکیل یک گروه مرکب را می‌دهند که از لحاظ دستوری دارای نقش همانند باشند، یعنی متعلق به یک مقولهٔ خاص دستوری (فاعل، مفعول، صفت، قید و غیره) باشند. (وثوقی، ۱۳۵۴، ص ۱۳۲).

بنابر قاعدهٔ بالا، همنشینی مقوله‌های غیر هم نقش با ساخت نحوی زبان فارسی منطبق نبوده و جمله‌هایی که این چنین ترکیب‌ها را در بر می‌گیرند نامطلوب و مردود

می‌نمایند؛ شبیه نمونه‌های زیر که با نشانه ستاره مشخص شده‌اند:

- * احمد يك فوتبالیست و جوان است . (پیوند اسم و صفت)
- * ما دیروز و در خانه استراحت کردیم . (پیوند قید زمان و قید مکان)
- * کارمند محضر با سرعت و خندان سند ما را در دفتر ثبت نمود . (پیوند اسم و قید)

* * *

از بحث پیوند گروه‌های هم‌نقش در جمله‌های مرکب نباید چنین قیاس کرد که کلیه گروه‌های اسمی مرکب از دو یا چند جمله زیرساختی تأویل یافته‌اند چون گروه‌های اسمی مرکبی نیز یافت می‌شوند که از این قاعده مستثنی می‌باشند و کماکان در ژرف ساخت جمله رخ می‌دهند. علت آن اینست که در هر زبان عناصری مانند حروف اضافه (در فارسی مانند: بین، میان، مابین و غیره) یا فعل‌های بخصوصی (در فارسی مثل: شبیه بودن، جدایی انداختن، جدا کردن، ازدواج کردن - دو نفر باهم - و غیره) وجود دارند که در رابطه با خود، رخداد يك گروه اسمی مرکب را الزامی می‌سازند. برای مثال به جمله‌های زیر توجه می‌کنیم:

- ۱۰- در هواپیما يك نفر ژاپنی بین من و دوستم نشسته بود .
 - ۱۱- شخصیت رضا و پدرش خیلی به هم شبیه است .
 - ۱۲- بین ایالت میسوری و ایلینوی رودخانه می‌سی‌سی‌پی جریان دارد .
 - ۱۳- رود ارس قسمتی از خاک ایران و شوروی را از هم جدا می‌سازد .
 - ۱۴- روزگار بین آن زن و شوهر جدایی انداخت .
 - ۱۵- ماه گذشته عصمت و رسول (باهم) ازدواج کردند .
- در جمله‌های بالا، هر يك از گروه‌های اسمی که با حروف سیاه نوشته شده است مستقیماً در ژرف ساخت جمله مربوطه رخ داده و کماکان در رو ساخت جمله نیز ظاهر شده است. به سخن دیگر، این گروه‌های اسمی نمی‌توانند از دو جمله تک‌پایه‌ای تأویل یافته باشند. برای پی‌بردن به این حقیقت می‌توان، مثلاً، جمله

شماره ۱۰ را به طور آزمایشی به دو جمله زیرساختی «الف» و «ب» تفکیک نمود و ملاحظه کرد که این جملات از نظر دستوری ناممکن و غیرپذیرفتنی می‌باشند :

۱۰- الف - در هواپیما يك نفر ژاپنی بین من نشسته بود .

ب - در هواپیما يك نفر ژاپنی بین دوستم نشسته بود .

همین آزمایش را می‌توان در مورد سایر جملات (۱۱-۱۵) نیز انجام داد.

نتیجه :

۱- تأویل حذف عناصر هم‌معنا از روساخت جمله مرکب با شرایطی که ذکر شد به‌تعداد زیاد در زبان فارسی انجام می‌گیرد و چنانچه از نمونه‌های مختلف و بخصوص از جمله شماره ۹ ملاحظه‌گردید (که ۴۸ واژه از مجموع ۶۴ واژه زیرساختی حذف‌گردید) تمامی مفهوم جمله مرکب از روساخت خلاصه شده‌آن قابل پیش‌بینی و تعبیر می‌باشد . عمل حذف معادل‌های هم‌معنا در سایر زبان‌ها نیز صورت می‌گیرد و یکی از ویژگی‌های همگانی زبان به‌طور اعم می‌باشد .

اگر عناصر معادل و تکراری حذف نمی‌شد ، زبان انسان چه تفاوتی باوضع موجود پیدا می‌کرد؟ بدون تردید گفتار انسان مملو از تکرار مکررات و اقلام بدیهی و حشو و زواید غیرلازم می‌گردید که نتیجتاً گفتار شخص نه‌تنها طولانی و ملال‌انگیز می‌شد ، بلکه مستلزم صرف وقت بیشتر و انرژی افزونتری نیز می‌گردید .

۲- باتوجه به نکته بالا ، گیرنده يك پیام چه از طریق شنیدن و چه از راه خواندن مجبور است مقدار نسبتاً زیادی از اصل پیام را از روی (به اصطلاح) فحوای کلام و به وسیله حدس و پیش‌بینی از روساخت پیام دریافت شده در ذهن خود بازسازی و تعبیر کند ، چون پیامی که به او می‌رسد ، در نتیجه حذف عناصر متعدد و تأویل‌های مختلف ، خلاصه و فشرده است . لذا این ادعای معروف زبان‌شناسان توصیف‌گرا که جنبه‌های شنیدن و خواندن زبان دو جنبه غیرفعال و صرفاً دریافت‌کننده است ، باتوجه به آنچه که گذشت ، مورد تردید و سؤال قرار

می گیرد. موضع نگارنده اینست که عمل پیش‌بینی و بسازسازی مفهوم کامل پیام از خواص تولیدی و فعال جنبه‌های شنیدن یا خواندن زبان است.

۳- زبان انسان مانند سایر الگوهای رفتاری و نهادهای اجتماعی او پیرو اصل صرفه‌جویی است. انسان در کاربرد زبان، بنا بر نظریه اقتصاد در زبان^{۲۰} (از آندره مارتینه، ۱۹۶۰، ص ۱۶۷)، سعی می‌کند با صرف حداقل انرژی و تلاش، عمل پیام‌رسانی را انجام دهد. این کار صرفاً در جنبه اجرایی زبان^{۲۱} صورت می‌پذیرد و تا حدی است که به اصل پیام لطمه‌ای وارد نشود.

۴- سخنگویان يك زبان نحوه حذف معادل‌های هم‌معنا و رعایت اصل اقتصاد در کاربرد زبان را از سنین کودکی و به همراه زبان مادری فرامی‌گیرند و این کار جنبه آموزشی و یادگیری رسمی ندارد، بلکه به طور طبیعی فرا گرفته می‌شود. به‌سختی دیگر، کاربرد تأویل حذف معادل‌های تکراری، جنبه فراگیری^{۲۲} دارد و نه جنبه یادگیری^{۲۳}، چه این دو روند از نظر روان‌شناسی زبان^{۲۴} از یکدیگر متمایز دانسته شده‌اند^{۲۵}.

۵- گرچه در این بررسی در مورد حذف عناصر معادل از رو ساخت سایر انواع جمله به جز جمله مرکب بحثی به میان نیامده، اما لازم به یادآوری است که عمل حذف عناصر رو ساختی محدود و منحصر به جمله‌های مرکب نیست (در این مورد رك: انواع تأویل و جمله‌ها، بخش ۶ و ۷، وثوقی، ۱۳۵۴)، اما چون حذف معادل‌ها در جمله‌های مرکب آشکارتر و به میزان فراوان‌تر انجام می‌گیرد، از اینرو به بررسی حذف عناصر رو ساختی در این جمله‌ها ارجحیت داده شد.

یادداشت‌ها

1. compound sentence
2. equivalent deletion
3. transformational generative grammar
4. single - based sentence
5. multiple - based sentence
6. preposition
7. complex sentences
8. co - ordinating conjunctions
9. embedding
10. embedding (constituent) sentence
11. matrix sentence
12. underlying sentence

۱۳- این مثال (جملهٔ ۶) از گزارشی زیرعنوان «مسابقات مشت‌زنی در آلمان شرقی» می‌باشد که از صفحهٔ آخر روزنامهٔ کیهان هوایی مورخ ۲۱ تیر ماه ۱۳۵۷ اخذ شده است .

14. arbitrary transformation
15. Celce - Mursia & Freeman
16. restructure

۱۷- نباید فراموش کرد که تاویل پیوندی قبلاً یک بار طی اولین تاویل به‌طور اجباری بر جملات زیرساختی اعمال گردید و این بار مجدداً بین دو عنصر هم نقش (عناصر غیر هم‌معنا) تحمیل می‌گردد ، از اینرو نگارنده آن را «پیوند مجدد» می‌نامد .

۱۸- این جمله نیز از همان گزارش کیهان آورده شده است .

۱۹- ایضاً از همان گزارش کیهان .

20. language economy

21. performance

22. acquisition

23. learning

24. psychology of language or psycholinguistics

۲۵- رکع : Krashen, 1977

کتاب نامه

1. Celce - Mursia , M. & Larsen - Freeman, D. ; « An English Grammar for Teachers of English as a Second or Eoreign Language», Newbury House, 1978 (in print).

2. Chomsky, N. ; « Aspects of the Theory of Syntax », MIT Press, 1965.

3. Krashen, Stephen D. ; « Aptitude and Attitude in Relation to 2nd Language Acquisition and Learning » for Diller K. (ed .) «Individual Differences and Universal Language Learning Attitude», Newbury House, 1977.

4. Liles, Bruce L.; «An Introductory Transformational Grammar», Printice - Hall Inc., 1971.

5. Martinette, A.; « Elements of General Linguistics», Faber & Faber, 1964.

۶- وثوقی ، حسین ؛ « دستور تأویلی زبان فارسی » ، ۱۳۵۴ ، پلی کپی ، دانشگاه

تربیت معلم تهران .